خبر

روایت یک شاعر از برجسته‌ترین رویداد ادبی کشور

شاعر و نویسنده گفت: دیدارهای رهبر انقلاب با شاعران از برجسته‌ترین رویدادهای ادبی کشور محسوب می‌شود و من خاطرات بسیار شیرینی از این دیدارها دارم؛ در سال ۱۳۹۵ در دیداری که همراه شاعران آئینی با ایشان داشتیم، بعد از شعرخوانی در محضر ایشان خطاب به من فرمودند: «شما هم شاعر خوبی هستی هم خوب شعر میگی.»

فاطمه نانی‌زاد در گفت‌وگو با ایمنا با اشاره‌ای به فعالیت‌های خود در زمینه ادبیات اظهار کرد: در طول مسیر زندگی خود فعالیت‌ها و مسئولیت‌های مختلفی را برعهده داشته و جوایز مختلفی را دریافت کرده‌ام.

او با بیان آثار خود ادامه داد: مجموعه شعر باران بی‌هوا، صحن فیروزه و مواردی از این دست که در مسیر چاپ هستند از جمله آثار منتشر شده است.

این شاعر تصریح کرد: استعداد و علاقه‌مندی به حوزه ادبیات، تشویق خانواده و محیط آموزشی مرا برای فعالیت در عرصه ادبیات مصمم کرد و این مسیر را آغاز کرده و ادامه دادم.

نانی‌زاد در بخشی‌دیگر از سخنان خود با اشاره به دیدارهای رهبر انقلاب با شاعران عنوان کرد: دیدارهای مقام معظم رهبری با شاعران از بهترین و برجسته‌ترین رویدادهای ادبی در کشور محسوب می‌شود و من خاطرات بسیار بسیار شیرینی از این دیدارها دارم؛ برای مثال سال ۱۳۹۵ در دیداری که همراه شاعران آئینی با ایشان داشتیم، بعد از شعرخوانی در محضر ایشان خطاب به من فرمودند: «شما هم شاعر خوبی هستی هم خوب شعر میگی» در همین راستا این کلامشان باعث شد احساس کنم بالاتر از سطح زمین راه می‌روم.

او با بیان اینکه می‌گویند شاعران در خلوت و تاریکی شعر می‌نویسند، گفت: من نیازی به اتاق تاریک ندارم؛ اما برای تمرکز باید محیطم گرم و سرشار از انرژی و امن باشد و این موضوع برایم مهم است، چراکه آشفتگی و شلوغی برای نوشتن مطلوبم‌نیست.

این شاعر اظهار کرد: شاعر باید لبریز از عواطف و اندیشه نسبت به یک موضوع بشود تا قلم دست بگیرد و بنویسد.

راه‌اندازی جشنواره‌ها به تولید تئاتر کمک کرد

کارگردان و بازیگر تئاتر گفت: در یکی دو سال اخیر آثاری بسیار خوبی در حوزه تئاتر تولید و جشنواره‌ها دوباره راه اندازی و گروهها مشغول به کار شده اند اما یکی از دغدغه‌های فعلی گروه‌های تئاتری نرخ بالای اجاره سالن‌های خصوصی است.

شقایق فتحی در گفت‌وگو با ایرنا درباره وضعیت فعلی تئاتر اظهار کرد: رکودی که در چند سال گذشته به دلایل کرونا و مسائل اجتماعی رخ داد، تاثیر منفی روی تئاتر گذاشت. کارها خوابید و خیلی شاهد کارهای درخشان نمی‌توانستیم باشیم چون فضا و بستر آن مناسب نبود. اما در یکی دو سال اخیر کارهای خیلی خوبی تولید می شود و جشنواره‌ها دوباره راه اندازی و گروهها مشغول به کار می‌شوند. امیدوارم شاهد اتفاقات روشن‌تری در آینده در مورد تئاتر باشیم.

کارگردان نمایش «افلیا» یکی از مشکلات گروه های تئاتری را نرخ بالای اجاره سالن‌های نمایش عنوان کرد و افزود: در مورد سالن‌های نمایش، اوضاع خوب نیست. سالن‌های خصوصی که اجاره‌های نجومی دارند. تعداد محدودی سالن هم هست که به صورت درصدی وارد مذاکره می شوند و کار می‌کنند که اینها هم شرایط خاص خود را دارند؛ این که باید در کار، بازیگر سلبریتی حضور داشته باشد و یا این که کار، یک کار اورجینال باشد.

او افزود: سالن‌های دولتی هم نوبتی هستند و هر کارگردانی دو سال یک بار می‌تواند در این سالن‌ها اجرا کند، این که چرا باید چنین قانونی بگذارند دلیل منطقی ندارد.

فتحی تاکید کرد: این مسئله به دغدغه‌ای برای نمایش‌هایی که تهیه‌کننده و دلگرمی از حیث کمک هزینه و اسپانسرینگ ندارند، تبدیل شده است.

تهیه‌کننده نمایش «تصادف قطار ۵:۲۵» افزود: امیدوارم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان‌های ناظر بر سالن‌های خصوصی نظارت را از سالن های نمایشی خصوصی بابت این مبالغ کلانی که از گروه‌های تئاتری دریافت می‌کنند، بیشتر کنند.

فتحی تصریح کرد: حتی شخصی که تئاتری نیست اما با گروه‌های تئاتری کار می‌کند باید درد خیلی از این تئاتری‌ها را بداند، با این روند، چرخه تئاتر متوقف می‌شود و فقط برای نمایش‌های محدودی، کارها جلو خواهد رفت.

بازیگر نمایش «مجلس آخر» ادامه داد: سیاست‌گذاری در مورد تئاتر باید به گونه ای باشد که برای قشر متوسط یا حتی درجه سه جامعه هم نمایش ها قابل تماشا و دیدن باشند و قابلیت اجرایی کردن داشته باشند و اجراهایی هم داشته باشیم که قشر متوسط هنرمند جامعه بدون سلبریتی و تهیه کننده هم بتواند اجرای خود را روی صحنه ببرد. در غیر این صورت فضای رقابت و تولید آثار متنوع و کیفی محدود می شود.

فتحی گفت: چون از بازیگری شروع کرده‌ام دغدغه بازیگری هم دارم. البته قبلا خیلی دغدغه‌مند نبودم اما از جایی که یاد گرفتم چطور باید خلق کنم و این اتفاق برایم جذاب شد، علاقه‌مندتر به کارگردانی شدم و آن را خیلی پررنگ و جدی‌تر دنبال می‌کنم.

وقتی هنر ایرانی تمدن شرق را نمایندگی می‌کند

از نگارگری مکتب اصفهان تا المپیک ۲۰۲۴ پاریس

«نگارگری متعلق به هنر ایرانی در المپیک ۲۰۲۴ در کناره رود سن نقش بست.» خبر کوتاه بود؛ اما ریشه و جانِ این خبر به اعماق تاریخ هنر ایرانی و اسلامی در عصر صفوی و مکتب اصفهان برمی‌گردد. عصری که در اخبار وایرال شده کمتر به آن پرداخته شد.

مراسم افتتاحیه المپیک ۲۰۲۴ پاریس با حضور چهره‌های شناخته شده در عرصه هنر و با حضور کاروان ورزشکاران از کشورهای مختلف برگزار شد و علی‌رغم انتقادهای وارده به طراحی لباس ورزشکارانِ ایرانی در مراسم افتتاحیه؛ نمایش نگارگری ایرانی عصر صفوی متعلق به محمدقاسم مصور تبریزی در کناره رود سن احترام و افتخار برای ایران را به همراه داشت.

نگاره «شاه‌عباس و جوان» اثر محمدقاسم مصور تبریزی در بخش هنر اسلامی موزه لوور نگهداری می‌شود. محمدقاسم مصور تبریزی یا «سراجای نقاش»، نگارگر، شاعر، خطاط و موسیقیدان دوره صفوی بود. او از هم‌دوره‌ای‌های رضا عباسی بود و اگرچه از او تعلیم گرفته بود، اما نقاشی‌هایش امضای شخصی داشتند. او نخستین نقاشی است که در عهد صفویه، متأثر از نقاشی اروپایی، نگارگری کرده است. اگرچه میرزا مصور تبریزی در عصر خود به شهرت رضا عباسی نقاش هم عصر خود نرسید؛ اما یک قرن گذشت و بار دیگر نام او و هنرِ نگارگری‌اش در کناره رود سن به‌عنوان تمدنی متعلق به ایران‌زمین به نمایش گذاشته شد.

المپیک جایگزین جنگ شده است قطب‌الدین صادقی کارگردان تئاتر و نشانه‌شناس که تحصیلات خود را در سوربن فرانسه به پایان رسانده است در گفتگو با خبرآنلاین برای توصیف نمایش هنر ایرانی و اسلامی به نفس برگزاری المپیک و نقش میانجی در برقراری و دعوت به صلح در دنیا اشاره کرد و گفت: آنچه مسلم است المپیک جایگزین جنگ شده است و برای اینکه این مفهوم در اذهان تداعی شود، لازم است در این گردهمایی آشتی‌جویانه نمادهای متعلق به کشورهای مختلف به احترام صلح در کنار هم نمایش داده شود و کشور فرانسه به‌عنوان مهد دموکراسی و آزادی نقش میانجی را در این دوره از المپیک جهانی به عهده گرفته است.او ادامه داد: خوشبختانه میادین ورزشی المپیک جایگزین آدم‌کشی شده است و این شعور بشری فوق‌العاده است که دارای پیام آشتی، دوستی و کنارگذاشتن خشونت عریان بشر بوده است و مسلم است که در گردهمایی آشتی‌جویانه در سطح بین‌المللی باید نمادهای آشتی هم در آن وجود داشته باشد؛ زیرا احترام به ارزش‌های فرهنگی و ورزشی را در بردارد.

ملت فرانسه مأموریت تاریخی در آشتی جوامع با یکدیگر را بر خود قائل است

این کارگردان تئاتر و نشانه‌شناس در ادامه با اشاره به این موضوع که استفاده از هنر ایرانی به‌عنوان نماینده تمدن شرق، بهترین انتخاب بوده است گفت: فرانسه زبان آشتی بین جوامع را با بهره‌بردن از نمادهای فرنگ و هنر جوامع مختلف به‌خوبی می‌داند و درعین‌حال زبان آشتی را هم مفاهمه کرده است و همین کشور است بود که بعد از ۲ هزار سال در اواخر قرن نوزدهم این مسابقه فرهنگی و ورزشی را احیا کردند؛ بنابراین در میان کشورهای اروپایی هیچ کشوری از جهت ارائه کارهای خلاقانه به‌پای فرانسه نمی‌رسد در واقع هم دولت‌ها و هم مردم فرانسه مأموریت تاریخی در خلق دموکراسی و آشتی جوامع با یکدیگر را بر خود قائل هستند.

مایه افتخار است جایگاه والا در فرهنگ و هنر جهان داریم

بهمن عبداللهی روزنامه‌نگار و منتقد سینما با اشاره به این مطلب که شیوه اجرایی افتتاحیه المپیک ۲۰۲۴ بدیع بوده درباره رویکردهای خلاقانه در کارگردانی المپیک صحبت کرد و گفت: فارغ از اینکه در مراسم «افتتاحیه المپیک تابستانی پاریس» شیوه اجرایی و ارائه بسیار بدیعی را شاهد بودیم، از رویکردهای خلاقانه و زیبایی‌شناسانه آن نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. فرانسوی‌ها تلاش کرده بودند در قالب یک مراسم که محوریت آن ورزش و صلح است، تاریخ و فرهنگ و هنر خود را در این فرصت معرفی کنند و البته به فرهنگ و هنر جوامع صاحب تمدن هم بپردازند.

این عضو انجمن منتقدان خانه سینما ادامه داد: بدون شک تاریخ، فرهنگ و هنر ایران در این میان نقش بی‌بدیلی دارد و «توماس جولی» کارگردان مراسم و «دافنه بورکی» به نمادهای جهانی از نمادهای ورزش تا نمادهای هنری توجه داشتند. اما نکته جالب‌توجه برای ما ایرانی‌ها تصویر غول‌پیکری از چهره‌ای مینیاتوری بود که مقابل جایگاه اصلی رژه قایق‌های حامل ورزشکاران در رود سن قرار داده شده بود. این تصویر در واقع نقاشی نیست بلکه بخشی از کاشی‌کاری مکتب اصفهان است که در بخش هنر اسلامی و طبقه منفی ۱ موزه لوور نگهداری می‌شود. در اهمیت این اثر میان چند میلیون قطعه و گنجینه تاریخی لوور همین بس که در سالن ورودی این موزه بسیار مشهور جهان فقط ۳ نمونه از آثار روی بیلبورد قرار دارند؛ یکی همین تصویر کاشی‌کاری ایرانی، دومی مونالیزا و سومی مجسمه‌ای از هنر آفریقا.

در مراسم افتتاحیه المپیک هم فقط چند تصویر از هزاران پرتره موجود در موزه لوور (مشخصا زنان) بر بستر رود سن جای گرفته بودند که تا زیر چشم شخصیت‌ها در آب بودند؛ انگار که دارند ورزشکاران شرکت‌کننده و البته تماشاگران را نظاره می‌کنند؛ بنابراین مایه افتخار ماست که چنین جایگاهی در فرهنگ و هنر جهان داریم و نمی‌شود در محفلی حرف از هنر باشد؛ چه سینما، چه نگارگری، چه هنرهای دیگر و نامی از ایران در میان نباشد.

عبداللهی با اشاره به دیگر آثار هنری در کارگردانی مراسم گفت: دیگر آثاری که بخشی از آنها در رود سن جاگذاری شده بودند شامل چهره جوزفین (از تابلوی تاج‌گذاری ملکه جوزفین در کلیسای نوتردام اثر جاکوئیس لوئیس دیوید/۱۸۰۴)، پرتره مادلین (اثر ماری گیلین بنویست/۱۸۰۳)، گابریل (از تابلوی گابریل دستره و یکی از خواهرانش اثر هنرمند ناشناس/۱۵۹۴) بودند.

گفتنی است آثار زیادی از محمدقاسم مصور تبریزی در مقاطع مختلف جهان موجود است که می‌توان به اثری با عنوان «پذیرایی شاهزاده در هوای آزاد» در کتابخانه بریتانیا، نگاره «شاه‌عباس و جوان» در موزه لوور و «دختر و قلیان» در موزه تاپقاپی سارای استانبول نام برد.

مکتب تهران و اصفهان؛ مهم‌ترین مکاتب پرده‌خوانی عاشورایی

هنرمند پیشکسوت عاشورایی گفت: پرده‌خوانی یک هنر مکتبی معروف به مکتب تهران و اصفهان است، در تهران و اصفهان به دلیل مرکزیت، رزق پرده‌خوان بهتر می‌رسیده و محل‌ها و پاتوق‌های بیشتری برای پرده‌خوانی وجود داشته است.

به گزارش ایمنا، پرده‌خوانی را باید از اصیل‌ترین هنرهای بومی ایرانی دانست که در طول سال‌های متمادی به صورت ویژه به موضوع عاشورا پرداخته و تنها در نقاط محدودی از کشورمان که مسئله فرهنگ و هنر رونق داشته، گستردگی بیشتری داشته است و هم‌اکنون تعداد افراد اندکی در کشورمان وجود دارند که به‌صورت حرفه‌ای پرده‌خوانی می‌کنند.

پرده‌خوانی برآمده از نقالی و قوالی است، نقالی هنر بداهه‌خوانی و کلام و قوالی هنر بهره‌مندی از کلام و موسیقی است در حالی که پرده‌خوانی کامل کننده این دو هنر و یکی از نخستین اشکال هنر چند رسانه‌ای است.آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل گفت‌وگوی ایمنا با مرشد ابوالفضل ورمزیار یکی از پرده‌خوان‌های قدیمی تهران است که خودش را وقف پرده‌خوانی برای اباعبدالله‌الحسین (ع) کرده است و در ایام محرم و صفر در نقاط مختلف به پرده‌خوانی می‌پردازد.

تکیه پرده‌خوانی چقدر بر موضوع محرم و عاشورا است؟

هیچ پرده‌ای تا پیش از این کشیده نشده است، مگر با موضوع عاشورا، یعنی حتی داستان‌های شاهنامه نیز در پرده‌ها نیامده است؛ بنابراین در گذشته پرده‌ای در موضوع شاهنامه نداشته‌ایم و به تازگی استاد مهدی طالعی‌نیا پرده‌ای برای شاهنامه نقاشی کرده است. تا پیش از این از اساتید و بزرگان عرصه نقاشی پرده‌خوانی که با نقاشی‌های قوه‌خانه‌ای کاملا متفاوت است، اثری برای به غیر از عاشورا کشیده نشده است.

تفاوت نقاشی قهوه‌خانه‌ای با نقاشی پرده‌خوانی چیست؟

نقاشی قوه‌خانه‌ای در داخل یک تابلو است و ابعاد مشخص ۷۰×۱۰۰ یا ۷۰×۵۰، کمتر و بیشتر دارد، در همین ابعاد و اندازه‌ها داستان‌های شاهنامه، بهرام و نظامی نقاشی می‌شود که به آن نقاشی قوه‌خانه‌ای گفته می‌شود.

اما در پرده‌خوانی تنها به موضوع عاشورایی پرداخته شده است و معمولا از یک قاعده مشخص بهره گرفته می‌شود، به عنوان مثال در وسط پرده تصویر و نقش حضرت عباس (ع) وجود دارد در حالی که با شمشیر مارد ابن صدیف را از وسط دو نصف می‌کند و شمشیر از فرق سر تا ناف پایین می‌آید یا در سمت راست پرده به سمت پایین حتما مار غاشیه وجود دارد و بالای آن حتما بهشت است.مرغ ثعلب و حوض کوثر از دیگر نمادهاست؛ آمدن لشکر جنیان و زعفر جنی و دیگر داستان‌های کاملا مشخص در پرده وجود دارد، در سمت چپ پرده که مخاطب تماشا می‌کند همیشه امام حسین (ع) در حالی که علی‌اکبر را که از تیر پوشیده شده در آغوش گرفته است و در قسمت بالای تصویر امام سجاد (ع) قرار دارد، در قسمت پایین نیز شیر اسد و داستان‌هایی درباره کربلا موجود است.

وقایعی که در زمان عباسیان رخ داد؛ متوکل عباسی و قطع کردن دست، ویرانی کعبه و مرد لاک پشتی و دیگر داستان‌های عامیانه که وجود دارد؛ گفته می‌شود در مجموع ۷۰ داستان از عاشورا در درون پرده‌های پرده‌خوانی وجود دارد.

محل اجرا پرده‌خوانی در گذشته چه امکانی بوده است؟

معمولا نقال‌ها اگر در ایام محرم به قوه‌خانه‌ای می‌رفتند، از تابلوهای نقاشی قوه‌خانه‌ای استفاده می‌کردند نه از پرده، چراکه پرده مخصوص گذر است؛ پرده ویژه گذر و نظر است، یعنی جایی که محل عبور مردم باشد.پرده‌خوان برنامه خود را در کوچه و خیابان‌های تنگ که پُر از دهلیز و دالان و سرداب بوده است، اجرا می‌کرد، در این تنگناها پرده‌خوان‌ها جایی که فضا بازتر بود را پیدا و اجرای پرده‌خوانی می‌کردند. هم‌اکنون در بافت‌هایی از تبریز، یزد، کرمان و محلات قدیمی تهران که همچنان پر از دهلیز است، پرده‌خوانی انجام می‌شود.

پرده‌خوانی در این اماکن آداب خاصی داشته است؟

بله؛اگر پرده مشرف بر دیوار کسی بوده باشد حتما از صاحب‌خانه اجازه گرفته می‌شد که آیا ما اجازه داریم اینجا پرده‌خوانی عاشورایی کنیم؟ حالا که اجازه گرفته می‌شد، صاحب‌خانه با افتخار میزبانی می‌کرد، حتی گاهی ارمنی‌ها که دیوار خانه‌شان مناسب پرده‌خوانی بود در نظام‌آباد تهران میزبانی می‌کردند. بعد از اینکه اجازه پرده‌خوانی داده می‌شد، صاحب‌خانه کوچه را آب و جارو و احترام می‌کرد؛ معمولا هم صاحب‌خانه زیر پای پرده را فرش می‌کرد تا پرده روی زمین باز نشود.این فرش بعد از اینکه برنامه تمام می‌شد، لول و جمع می‌شد و در گوشه‌ای از خانه قرار می‌گرفت و تا عید غدیر سال بعد باز نمی‌شد؛ عید غدیر که فرش باز می‌شد خاک آن را با دقت جمع‌آوری می‌کردند و همین خاک برای صاحب‌خانه حکم خاک تربت کربلا را داشت چراکه به همراه ذکر مقدس بود.در پرده‌خوانی، زمانی که مرشد به پرده نزدیک می‌شود اگر قصد دارد اولیا را نشان دهد، با دست اشاره می‌کند تا احترام صورت گیرد اما وقتی قصد نشان دادن اشقیا را دارد، با سر یا ته عصا اشاره می‌کند تا خاری آن‌ها را نشان دهد. دست مرشد که به تصاویر امام (ع) نزدیک می‌شود همان دست ارادت مردم است و مرشد نماینده مردم برای رسیدن به دامان ائمه علیهم‌السلام است که بسیار پرمعنا و از نکات پرده‌خوانی قدیم است.

نوع آموزش پرده‌خوان‌های قدیمی به چه صورت بوده است و این افراد هم‌اکنون چقدر مشغول به فعالیت هستند؟

از پرده‌خوان‌های قدیم چند نفر محدود باقی مانده‌اند، در میان پرده‌خوان‌های قدیمی برخی به‌صورت خانوادگی تربیت می‌شدند اما افراد دیگری وجود داشتند که علاقه‌مند به پرده‌خوانی می‌شدند در حالی که این کار یک شغل پرُزحمت بود و اگر کسی علاقه‌مند می‌شد باید مدت‌ها عصاکشی می‌کرد؛ عصاکشی یعنی اینکه صبح جلوی منزل مرشد حضور داشته باشی که قرار است ایشان بعدازظهر در فلان محله، پرده‌خوانی کند.در بعضی ایام در مکان‌هایی مثل امامزاده داوود، بی‌بی شهربانو و حرم حضرت عبدالعظیم پاتوق همیشگی پرده‌خوانی بود؛ باید پردهِ مرشد را دوش می‌گرفتیم و می‌رفتیم و پای داستان‌های مرشد می‌نشستیم و پرده‌خوانی می‌آموختیم.این‌طور هم نبود که فیلم و عکس از مرشد بگیریم یا یادداشت‌برداری کنیم بلکه شب زمانی که پرده‌خوانی تمام می‌شد، می‌رفتیم و پرده‌خوانی را می‌نوشتیم و اینجا باید حافظه فرد چقدر باید کار می‌کرد تا این آموخته‌ها را ضبط کند، بالاخره از اساتید چیزی باقی نمانده و این هم سرانجام و انجام هنرهای سنتی بوده است.

مهمترین شهرهای ایران که میزبان پرده‌خوانی بوده، کجا است؟

پرده‌خوانی یک هنر مکتبی و معروف به مکتب تهران و اصفهان است، در تهران و اصفهان بخاطر اینکه بیشتر مرکزیت داشته‌اند، از همه نوع قشری مخاطب دارد و رزق پرده‌خوان بهتر می‌رسیده است.در این شهرها محل‌ها و پاتوق‌های بیشتری برای پرده‌خوانی وجود داشته و پرده‌خوانی رواج و رونق پیدا کرده است، البته مدتی نیز بعضی از عاشیق‌هایی که در ایام محرم نمی‌توانستند ساز بزنند، در تبریز پرده می‌خواندند.شهرهایی که قدمت فرهنگی و تاریخی داشتند و پاتوق‌های اجرایی بیشتری پیدا می‌کردند، میزبان پرده‌خوانی می‌شدند. بعضی شهرها مهد تعزیه بوده که نمونه آن قزوین است و در ایام محرم و صفر در هر گوشه آن تعزیه اجرا می‌شود، اما پرده‌خوانی به‌عنوان یک هنر موزه‌ای که زیرمجموعه نقالی است، اجرا می‌شود.این هنرها با اینکه در ایام خاصی اجرا می‌شده است، اما در بعضی شهرها و ایام در تمام طول سال مرشد حق زندگی‌ش را از دست مردم می‌گرفت.

آیا پرده‌خوان به دعوت مردم در اماکن پرده‌خوانی و صله دریافت می‌کرد؟

نه؛ پرده‌خوان دعوتی نبود؛ این‌ها حق زندگی را با چند تکنیک از دست مردم می‌گرفتند. پرده‌خوان در قسمت‌هایی از پرده‌خوانی شروع می‌کردند و می‌گفتند «هر کسی نذر و نذوراتی دارد، بسم‌الله» و از فنون معرکه بهره می‌گرفتند و هر مرشدی که گرم چانه‌تر بود و احتمالا اشک بیشتری از مخاطب می‌گرفت، صله بیشتری می‌گرفت.

بخاطر همین مباحث بعضی افسانه‌ها به پرده‌خوانی راه پیدا کرده است، به خاطر اینکه مرشد به هر زور و زحمتی باید اشک مخاطب را در می‌آورد، حتی اگر داستان عاشقانه‌ای را وارد داستان می‌کرد که صحت تاریخی نداشت.

در داستان‌های پرده‌خوانی مباحث افسانه‌ای هم وجود داشته است؟

بله، بله! خیلی از داستان‌های بی‌ربط به پرده‌خوانی عاشورایی ورود و رسوخ کرده و در تعزیه هم چنین است و بعضی از داستان‌ها به‌هیچ عنوان صحت تاریخی ندارد.

به عنوان مثال جنگ با مارد بن‌صدیف چیزی است که اصلا صحت ندارد و من شخصا به عنوان یک نقال تلاش می‌کنم که به هیچ عنوان داستان بی سند نقل نکنم؛ بنابراین حتما برای روایت یک داستان باید داستان و سندیت آن را مشاهده کنم. ممکن است این داستان‌ها را روی پرده نشان دهم، اما خودم روایت نمی‌کنم به خاطر اینکه داستان‌های کربلا به‌قدری دارای شگفتی است که نیاز به افسانه‌پردازی ندارد و معتقدم افسانه یعنی دروغ بستن به آل‌الله و گناه کبیره است.

آیا نقالی و پرده‌خوانی ما به خارج از مرزها کشیده شده است؟

بله؛ بنده شخصا تنها نقالی هستم که به دو زبان پرده‌خوانی و نقالی می‌کنم. من به فارسی و انگلیسی نقالی و پرده‌خوانی می‌کنم. تاکنون در ۱۵ دانشگاه معتبر اروپایی و آسیایی نقالی و پرده‌خوانی داشته‌ام که بیشتر آن مربوط به شاهنامه بوده است، البته پرده‌خوانی مذهبی در این میان وجود داشته است.

مثلا در دانشگاه برلین برنامه‌ای داشتیم که داستان‌های قرآنی و داستان حضرت ابراهیم را به صورت کارگاه برای بچه‌ها به صورت تئاتر تعاملی اجرا کردم و در تجربه دیگر که کارگاه نقالی بود و هفت سنت نقالی از هفت کشور وجود داشت، حضور داشتیم.هنرمندانی از هندوستان، عراق، یونان، آلمان، فرانسه، انگلستان و ایران جمع شده بودند که هرکدام‌شان سنت‌های نقالی داشتند و یک روز کارگاه‌هایی را با دانشجویان رشته‌های شهرشناسی، زبان‌شناسی و تئاتر برنامه اجرا کنند که از این کارگاه سهم ما پنج روز شد.

خبر

ساعت ۶ صبح؛ چند ساعت عقب‌تر از ساعت ۵ عصر

دومین ساخته سینمایی مهران مدیری به‌واسطه عدم‌طراحی راهکارهایی موجه در هنگام بحران، به فیلمی با ریتم کند تبدیل شده که نمی‌تواند انتظارات حداقلی مخاطب را پوشش دهد.

به گزارش ایرنا، دومین ساخته سینمایی مهران مدیری، بیش از آن‌که تابع الگوریتم‌های سینمایی باشد، به یک ذوق‌زدگی در نمایش یک بحران فردی که تلاش می‌شود آن را به دغدغه‌ای اجتماعی بسط دهد، شبیه است. از سوژه و طرح داستان شروع می‌کنیم که به‌واسطه بافت ساختاری و هارمونی مضمونی، شدیدا محتاج نوآوری‌های روایی است. اشکال اما از زمانی آغاز می‌شود که می‌بینیم در فرآیند اشاعه داستان، نگاه جزءنگر، قابلیت‌های خود را به کلیت اثر تحمیل نمی‌کند.

فیلم، افتتاحیه خوبی دارد. خیلی زود، چالش خود را با مخاطب در میان می‌گذارد اما این دگردیسی از شوخ‌وشنگی و پرواز به آینده‌ای روشن به اضمحلال و تعلیق، چندان مخاطب را نمی‌گیرد. فیلمنامه تلاش بسیاری کرده تا با مختصات سبک زندگی نوین امروزی جوان‌ها به بحث نگاه کند اما برخی اهمال‌کاری‌ها در پروسه روایی علی‌الخصوص پس از موضوع پنهان کردن سارا، نشان می‌دهد که نویسندگان، وسواس و ژرف‌نگری‌های نسل امروز در تحلیل یک موضوع را نادیده انگاشته و صرفا یک نگاه کلی دهه چهلی را به جامعه امروز وصله زده‌اند.

ضربه بزرگ فیلم از بابت نارسایی و کم‌مایه بودن تعلیق است. تعلیق در این فیلم، ذاتی است و ناشی از پارادایم‌های فیلمنامه نیست بلکه صرف آمدن پلیس و نیروهای امنیتی و البته به خطر افتادن موضوع مسافرت سارا است که تمام بار تعلیق را به دوش کشیده و نمی‌تواند به شکلی مویرگی در فضای کار رخنه کند. این حال و هوا، مخاطب را به یاد فیلم آواز قو می‌اندازد. نویسندگان و کارگردان در شرایطی کاراکترهای خود را در چنین موقعیتی قرار می‌دهند که گمان یک اثر اجتماعی انتقادی را در سر دارند اما آنچه از فحوای این اثر درک می‌شود، گرفتاری جوانان در اثر یک اشتباه کودکانه است که می‌تواند تبعاتی بزرگ را برای آنها در پی داشته باشد بنابراین سازندگان و صاحبان اثر حتی نتوانسته‌اند در کلیت ماجرا، به آن چیزی که مدنظرشان بود، دست یابند.

این رویکرد پس از ورود پلیس و چرخش اطلاعاتی کلیشه‌ای در دوسوم انتهایی قصه، شکل آزاردهنده‌ای پیدا کرد. اینکه سارا، مدام موقعیت خود را برای آدم‌های متفاوت توضیح می‌دهد، سبب آزار مخاطب می‌شود. نداشتن قصه در آن لحظات طولانی و قطبیت دادن صرف به سارا سبب شد تا ریتم به شکل کندی پیش برود و داستان برای این لحظات مهم و حیاتی، تفکر پیش‌برنده‌ای نداشته باشد؛ این‌چنین است که فیلم در لحظات حساسی چون آمدن کلیدساز، بیشتر به یک موقعیت کمیک طعنه می‌زند تا بیم و امیدهای متاثر فرار از یک چالش بزرگ.

مهران مدیری حالا با دومین ساخته سینمایی‌اش نشان داده که کارگردانی در خدمت درام نیست. گرچه حرف و حدیث‌های بسیاری راجع کارهای کمیک و جنگ‌هایی که طی این سال‌ها ساخته نیز وجود دارد. مدیری در طول دو دهه گذشته، به چهره پرکاری تبدیل شده که فقط می‌سازد و گویی برایش اهمیت ندارد که این کارها، چه بازخورد و ماندگاری‌ای دارند. حداقل آن‌که می‌توانست ۷ سال پس از ساعت ۵ عصر، یک گام رو به جلو برداشته و در کمترین سطح، بیان شعارین آن فیلم را اینجا نیز تکرار کند اما ساعت ۶ صبح، آشکارا و مسلما، چندین گام عقب‌تر از فیلم قبلی مدیری است و نمی‌تواند انتظارات حداقلی مخاطب را تامین کند.

راه‌یابی «رد پا» به جشنواره زنگبار آفریقا

فیلم کوتاه «رد پا» به کارگردانی مصطفی اعلمی در بخش مسابقه بیست و هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم زنگبار حضور می‌یابد.

به گزارش مهر، فیلم کوتاه «رد پا» به کارگردانی مصطفی اعلمی از تولیدات باشگاه فیلم رویش، محصول مرکز فیلم جوان سوره به بخش مسابقه بیست و هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم زنگبار کشور تانزانیا راه یافت.

این جشنواره از ۱ تا ۴ آگوست ۲۰۲۴ برابر با ۱۱ تا ۱۴ مرداد ماه در شهر تاریخی استون تاون در زنگبار، کشور تانزانیا برگزار می‌شود.

جشنواره بین‌المللی فیلم زنگبار (ZIFF) یکی از بزرگ‌ترین جشنواره‌های چندرشته‌ای هنر و فرهنگ در شرق قاره آفریقا است که هر ساله بیش از ۱۵۰ فیلم ساخته شده در این قاره به همراه عناوینی از خاورمیانه، اروپا، آمریکای لاتین، ایالات متحده آمریکا و آسیا را به نمایش می‌گذارد.

این جشنواره در سال ۱۹۹۷ برای توسعه و ترویج فیلم و همچنان الهام بخشیدن و متحد کردن مخاطبان جهانی از طریق جادوی سینما و سایر صنایع فرهنگی به عنوان کاتالیزور برای رشد اجتماعی و اقتصادی به صورت غیردولتی در این قاره تاسیس شد.

از جمله اهداف جشنواره زنگبار می‌توان به فراهم کردن بستری برای نمایش آثار فیلمسازان آفریقایی و بین‌المللی، تشویق و حمایت از توسعه صنعت فیلم در آفریقا، تقویت تبادل فرهنگی و گفت‌وگو از طریق هنر اشاره کرد.

آگهی فقدان سند مالکیت

۱۰۸۱ – ۱– نظر به اینکه سند مالکیت شش دانگ پلاک ۱۱۴۹۶ فرعی مجزی شده از ۱۱۸ اصلی بخش ۴ ناحیه ۹۰ واقع در شهرستان دورود بنام آقای عبدالحسین باجلان به شماره ملی ۴۲۱۹۲۴۴۷۲۷صادر وتسلیم گردیده است که مالک یاد شده حسب تقاضای وارده به این اداره و تسلیم یک برگ استشهاد محلی گواهی شده دفترخانه اسناد رسمی شماره ۴ دورود اعلام نموده که سند صادره در اثر جابجایی مفقود شده است.لذا با استناد ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت بدینوسیله آگهی میشود تا هرکس به نحوی از انحاءِ مدعی انجام معامله و یا وجود سند مالکیت مزبور نزدخود میباشداز تاریخ آگهی به مدت ده روز اعتراض کتبی خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دورود اعلام نماید .در صورت عدم مراجعه و انقضاءِ مدت مذکور نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام لازم به عمل خواهد آمد. مصطفی امان‌اله بهاروندی_رییس اداره ثبت اسناد و املاک‌شهرستان دورود شناسه: ۱۶۷۹۵۴۲

آگهی فقدان سند مالکیت

۱۰۷۷– ۱– شماره نامه: ۱۴۰۳۸۵۶۰۲۰۱۵۰۰۱۳۵۷ نظر به اینکه آقای نبی اله اسدی رونیزی فرزند علی باز به وکالت از طرف علیرضا شریفی درآمدی فرزند غلامعلی به موجب وکالتنامه شماره ۴۹۳۵۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ دفترخانه شماره ۳۰۶ فولادشهر به استناد ۲ برگ استشهادیه محلی که هویت و امضاء شهود رسماً گواهی شده مدعی است که سند مالکیت ششدانگ یک واحد آپارتمان پلاک ۸۰۹۱ فرعی از ۵۸۲– اصلی واقع در فولادشهر بخش ۹ ثبت اصفهان که به نام وی ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۳۸۶۷۱۱ صادر و تسلیم گردیده و معامله دیگری انجام نشده و به علت جابجایی مفقود شده است، لذا چون نامبرده درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده، طبق ماده ۱۲۰ اصلاحی آئین نامه قانون ثبت، مراتب آگهی می شود که هر کس مدعی انجام معامله نسبت به ملک موصوف یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ انتشار این آگهی تا ۱۰ روز پس از آن به این اداره مراجعه و اعتراض خود را کتبا با مدارک مثبت تسلیم نماید و چنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض، اصل سند یا سند معامله ارائه نشود، اداره ثبت المثنای سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. مصطفی شمسی– مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زرین شهر (لنجان) ۱۷۶۰۶۹۵/م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

۱۰۷۹– ۱– شماره نامه: ۱۴۰۳۸۵۶۰۲۰۲۳۰۰۳۴۵۱ سند مالکیت ششدانگ پلاک ۲۲۹/۸ واقع در بخش ۱ ثبت اصفهان با شماره چاپی ۲۳۸۴۰۶الف۹۵ بنام آرنوشا نیک بخت با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۰۲۰۲۳۰۰۲۷۴۷ سابقه ثبت و سند داشته که طی سند انتقال شماره ۱۰۷۸۵۸ مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۱۷ دفترخانه ۸ اصفهان به نامبرده انتقال شده است. آقای امیر نیکبخت ولی قهری مالک ضمن درخواست صدور سند المثني بشماره ۱۴۰۳/۳۰۰۸۸۹۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۹ با ارائه دو برگ استشهاد شهود با رمز تصدیق ۷۰۲۳۲۵ و شناسه یکتا ۱۴۰۳۰۲۱۵۵۸۱۴۰۰۰۱۵۷ دفترخانه ۱۲۹ اصفهان سند مالکیت المثنی در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت و تبصره های ذیل آن در شرف صدور است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی ذیل ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمائید تا مراتب صورت مجلس و اصل سند مالکیت به ارائه کننده سند مسترد گردد بدیهی است اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسید یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اقدام به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات خواهد شد. سید اسداله موسوی– سرپرست واحد ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک مرکزی اصفهان ۱۷۶۰۲۵۷/م الف